

بازیگر نقش حضرت یوسف (ع) بودن گریم به همراه مصاحبه با مصطفی زمانی



دوستان مطبوعاتی ام می گفتند

اهل مصاحبه نیستید؟

راستش مدت زیادی هست که مصاحبه نکرده ام...

خوب اینکه نکته خوبی نیست که با رسانه ها ارتباط ندارید؟

نه اینکه مصاحبه نکنم... بلکه انتخاب نشریه برایم بسیار مهم است چرا که دیده ام در برخی مصاحبه ها دخل و تصرف صورت می گیرد و برخی حرف ها عوض می شوند.

با این اوصاف پس اهل مصاحبه هستید؟

بله من یک مصاحبه مفصل با نشریه رویش انجام دادم و عکس خاصی هم برای روی جلد آن آماده کردیم و بسیاری حرف ها را در آنجا زده ام که دیگر نیازی نیست تکرار شوند می تواند منبع خوبی باشد.

چرا در سریال اینقدر چهره تان را عوض کرده اند؟

نظر کارگردان این بود. وقتی به من گفتند که انتخاب شدم تصور کردم بخاطر رنگ چشمایم مرا قبول کردند در حالیکه کارگردان تست گریم من را با لنز قهوه ای پسندیده بود. مو و چشم هایم را تیره کرده اند تا به چهره ام معصومیت ببخشند

شما چند سال دارید .. اهل کجائید؟

24 سال و اهل فریدون کنار هستم .



برای انتخاب یوسف هر روز اخبار مختلفی منتشر می شد یادتان هست از این چند کاندیدا برای این نقش انتخاب شدید ؟

اطلاع داشتم برای نقش یوسف تست می گیرند. حتی یک بار از جلوی دفتر این پروژه رد شدم، اما نرفتم تست بدهم. هفته بعد یکی از دوستانم عکس مرا به آقای سلحشور نشان داده بود و با پیشنهاد او 7 اردیبهشت 83 اولین تست را دادم و 3 روز بعد دو تا از سکانس های سریال را از من تست گرفتند که بعدها فهمیدم سخت ترین سکانس ها بوده است. پس از یک ماه، تست گریم دادم بعد با من قرارداد بستند با این شرط که اگر کاندیدای بهتری پیدا شد، با نظر کارگردان من کنار بروم. تا آنجا که اطلاع دارم از حدود 3 هزار نفر تست گرفتند و زمانی من را انتخاب کردند، گفتند تنها کاندیدایی هستی که روی آن اتفاق نظر دارند. از تاریخ عقد قرارداد یعنی تیرماه 83 تا شروع فیلمبرداری در اوایل بهمن همان سال، شرایط بسیار سختی داشتم. برخی عوامل اصلی کار سعی در انتخاب یکی از بازیگران حرفه ای داشتند. حتی مدتی دنبال یک بازیگر خارجی گشتند. ولی همه ما می دانیم که تجربه ساخت فیلم مصایب مسیح توسط مل گیسون ثابت کرد ایفاگر نقش پیامبر باید یک بازیگر ناشناخته باشد. آدمی که روی او ذهنیت خاصی وجود ندارد. به هر حال از آنجا که بازیگری برای من آنقدر اهمیت نداشت که به خاطر آن از همه چیز بگذرم، با همه اینها کنار آمدم. من به مفهوم واقعی عاشق بازیگری و شهرت نبودم، به هر حال یا بازی می کردم یا نمی کردم با جلساتی که گذاشتند و حمایت های آقای سلحشور رفتم جلوی دوربین پس از یک هفته هم بازیگر ثابت این نقش شدم. الان هم حدود یک سال است کار می کنم.

از نظر خودتان هم بهترین گزینه بودید ؟

من حس می کنم این نقش نیازبه کسی دارد که بدون توجه به دوربین وعوامل پشت صحنه حرف بزند که این کارسختی است. آنهایی که حرفه ای هستند نا خودآگاه مجبورند به این چیزها توجه کنند. صحنه هایی بود که احساس می کردم فقط باید با دلم حرف بزنم . خیلی جاها من اصلاً به کاراکترفکر نمی کردم. او را بازی نمی کردم، خودم بودم. حس می کنم برای این کارنیازبه آن داریم که درونمان را قوی کرده باشیم ومن این کاررا پیشترانجام داده بودم. شاید به خاطر نوع زندگی ای که خداوند برایم رقم زده است. البته به نظرم من یک بازیگر حرفه ای نمی تواند این نقش را برای مردم ارایه کند. من برای مردم بازی می کنم. اصولاً نقش پیامبر را باید برای مردم بازی کرد.

دستمزدتان چقدر بود؟

(با خنده) این مسایل را نمی توانم بگویم .. ولی رقم زیادی نبود .



کار با سلحشور چگونه بود ایا حاضرید دوباره با او کار کنید؟

من حتما در اولین فرصت نسبت به او ادای دین می کنمآقای سلحشور ترجیح می داد کار براساس دید ایشان پیش برود نه بازیگر.

چند بار فیلمنامه را خوانده اید؟

حدود 13 بار.

در این زمینه مطالعه دینی هم داشتید؟

مطالعه ی دینی زیادی نداشتم. اما کتابهای مختلفی خواندم از جمله خود قرآن. از طرفی فیلمنامه براساس شرایط نوشته می شود نه واقعیت. بین آنچه در فیلمنامه هست و آنچه ممکن است با مطالعه عمیق به دست بیاید، گاه دوگانگی وجود دارد که عوض کردنش سخت است. واقعیت گاه باورپذیر نیست. مثل واقعیت رو گرداندن یوسف از زیباترین زن مصر. باید آن را به ذهن مردم جامعه نزدیک کرد، به مردمی که دارای طبیعت و غریزه انسانی هستند. من سعی کردم فیلمنامه نوشته شده را به خودم بقبولانم.

پیش از شروع فیلمبرداری چقدر تمرین داشتید؟

در مدت 6 ماه قبل از فیلمبرداری، دو تا معلم بازیگری و یک مربی سوار کاری به صورت خصوصی داشتم. آقای داوود دانشور یکی از استادان بازیگری ام بود که من آشنایی با تیوری سینما را مدیون او هستم. شمشیر بازی را هم با خود کارگردان تمرین کردیم.

اولین صحنه ای که بازی کردید کدام صحنه بود؟

اولین صحنه داخلی زندان بود که خبری برای من می آورند مبنی بر این که زلیخا دستور داده شما را شکنجه کنند. این اولین پلانی بود که بازی کردم.

در این مدت با عوامل مشکلی نداشته اید؟

بعضی ها بودند که الان نیستند و خیلی دلشان نمی خواست که من این نقش را بازی کنم. آنها اغلب سینمایی بودند. البته من اوایل آدم بسیار خشکی بودم. فکرمی کردم اگر روابطم بیش از یک سلام وعلیک باشد ممکن است این تصویر پیش بیاید که به خاطر گرفتن نقش حاضر م اخلاقم را زیر پا بگذارم و این موجب ناراحتی خیلی ها شده بود. اما الان به همه ی آنها احترام می گذارم.

بازیگر نقش کودکی یوسف هم با شما نسبت فامیلی دارد. او چگونه انتخاب شد؟

بله، پسر عمه ی من است. پس از حدود 2 سال همدیگر را در یک مجلس عروسی دیدیم و من حس کردم آن معصومیتی که اینها دنبالش هستند در چهره ی او هست. همان جا چند تا دیالوگ به او دادم که خیلی خوب جواب داد و گفت بازیگر اول استان مازندران بوده است. به این ترتیب او را معرفی کردم و با تستی که از او گرفتند، ظرف 3 روز جلوی دوربین رفت.

پیش از این پروژه مشغول چه کاری بودید؟

در رشته مدیریت صنعتی دانشگاه غیرانتفاعی تحصیل می کردم و حسابدار یک شرکت کوچک بودم.

تجربه ی سینمایی هم داشتید؟

نه. فقط چند بار تیاترهای مدرسه و دانشگاه بازی کرده بودم.

پیشنهاد دیگری نداشتید؟

قبل از یوسف 3 تا کار سینمایی به من پیشنهاد شد که هر سه تجاری بودند. شاید هم بدم نمی آمد بازی کنم. اما روز آخر

بازیگر دیگری را انتخاب کردند. حتی یک بار که برای بستن قرارداد رفته بودم، گفتند ما با فلانی قرارداد بسته ایم در حالی که به من قول داده بودند. خیلی اذیت شدم. حتی به جرأت می توانم بگویم از تیرماه 83 که قرارداد اولیه را برای یوسف بستیم تا موقعی که جلوی دوربین رفتیم، سخت ترین روزهای زندگی من بود. واقعاً دلم می خواهد به آنهایی که درعالم سینما جایگاه بالایی پیدا کرده اند بگویم: اگر بخواهند رسم دنیا را به نا حق به هم بریزند، از همان جا که هستند زمین می خورند. من با همه ی سختی ها از کسی گله مند نیستم و حاضر نبودم به خاطر پذیرفتن این نقش، پا روی اصول اخلاقی و زندگی ام بگذارم.

بعد از یوسف دلتان می خواهد چه نقشی را بازی کنید؟

دوست دارم نقش یکی از رجال بزرگ ایرانی با تفکرات ایرانی را بازی کنم.